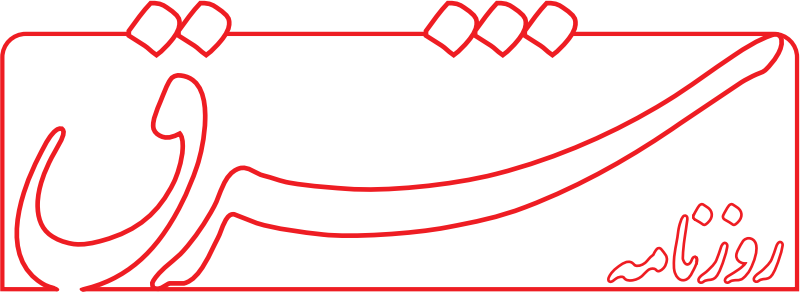




شش

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - ۸۸۸۸۰۷۱۹ - نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان بیروز- تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: روز تاپ/ جاده مخصوص کرج، پنج زمین شماره ۴ - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۶ اذان مغرب ۱۸:۱۹ اذان صبح فردا ۵:۰۸ طلوع آفتاب ۶:۳۱



پنجمشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۲ - ۳۱ مارس ۲۰۱۱ - سال پنجم - شماره پیاپی ۱۱۹۸ - شماره ۲۷۴ دوره جدید - ۲۰ صفحه

جایزه دکتر محمدتقی ابتکار اهداشد

مراسم اهدای جایزه دکتر محمدتقی ابتکار شب گذشته بر گزار شد و آن دکتر محمدعلی عبداللهی، استاد تمام دانشگاه تهران جایزه محقق پیشکسوت،مجیدسرایدار، رئیس انجمن مدیریت سبز ایران جایزه جوان،سعید چراغی مدون کتاب پرندهنگاری در ایران وعباس محمدی، پژوهشگر محیط‌زیست جایزه محقق نمونه،حسین جمشیدیان خبرنگار گزار ایلمنا جایزه خبرنگار نمونه وعباس هاشمی در حوزه مشارکت اجتماعی به خاطر ایجاد جمعیت واقفین سبز، این جایزه را گرفتند و در پایان مراسم را خانواده مرم حوم بنجی الله حجازی تقدیر به عمل آمد.

مکتب

فیلمی مردانه؛ تجربه‌ای زنانه



شهاب لاهیجی

داستان فیلم آتشکار به زن و شوهری بازمی‌گردد که سعی می‌کنند بر سر چگونگی نحوه جلوگیری از بارداری باهمس‌کنار بیابند و زن تلاش می‌کند تا همسر خود را برای انجام عمل واژکتومی قانع کند.این روزها خبر می‌آید که توصیه‌شده است این فیلم را زنان نبینند و جالب این است که این توصیه‌ها از منابع دانشگاهی می‌آید، اما این فیلم کاملاً فیلم زنانه‌ای است، فیلمی که به زنان می‌پردازد که به هر دلیل امکان جلوگیری از بارداری را ندارند و یا به این دلیل که واژکتومی مرد قابل بازگشت است، می‌خواهند همسرشان این عمل را انجام دهد.حالا حرف من این است که در ایران در نقاطی که اصلاً انتظارش نمی‌رود مردم در این باره آگاهی کامل را دارند و خیلی روش‌بینانه‌تر از دانشگاهیانی که ورود زنان را به سالن‌های اکران این فیلم ممنوع کرده‌اند، فکر می‌کنند.

داستانی که می‌خواهم برای اثبات حرفم تعریف کنم، یک تجربه شخصی است، تجربه سفر من به همراهی نماینده یونیسف و نماینده وزارت بهداشت به شهر یاسوج، شهری که از مناطق محروم کشور ماست و بافتی سنتی دارد، سفری که ۵۰ سال پیش اتفاق افتاد و در روزی که ما برای بررسی این موضوع قرار داده بودیم، تنها در یک روز ۵۰ مرد به صورت داوطلبانه برای واژکتومی آمدند، بدون اینکه به آنها هدیه‌ای داده شود یا مورد تشویق قرار بگیرند، درحالی‌که در همان زمان کشور هند برای تشویق مردان به این عمل به آنها یک دستگاه رادیو و چندین کیلو برنج می‌داد. وقتی در ایران در یک منطقه دورافتاده سطح آگاهی و همکاری مردم چنین بالا و پیشرفته است، آقایان برای خودشان که یک مسأله خانوادگی را چنین تحلیل کرده‌اند باید فکری بکنند و خودشان را به مردم برسانند نه برای زنان تعیین تکلیف کنند که فیلم را ببینند یا نه!بعد از اینکه زنان از دیدن مسابقات کشتی آقایان محروم شدند، بعد از رفتن زنان در برخی رشته‌ها به مسابقات بین‌المللی، اکنون چشمانمان به این روشن شده است که در یک دانشگاه طرح بدهند یک فیلم را زنان نبینند و بگویند به این دلیل این طرح داده شده است که در این فیلم به زنان توهین شده است؟ بگذارید خود زن‌ها بگویند در چنین فیلمی به آنها توهین شده است یا نه، اصلاً چرا باید دیدن کشتی آقایان و این فیلم توهین به زن‌ها باشد یا به هر دلیلی زن‌ها از دیدن آن محروم شوند.

یادگاری

دشواری پسر حنا‌ه بودن امیرعلی حنا‌ه

پسر مرتضی حنا‌ه بودن کار سختی است من این را بارها گفته‌ام و حالا هم از همین آغاز می‌کنم، کار سختی است که پدرت پایه‌گذار موسیقی ایران باشد، کار سختی است که فرزند کسی باشی که برای یابگری ارکستر سمفونیک ایران تلاش کرد و توانست با کمک دو نفر از بزرگان موسیقی ایرانی، فریدون ناصر و فریدون فران را ارکستر فاریاب را تاسیس کند.

پدری که باید به او مغرور می‌شدی که در کنگره یونسکو در پاریس جو ۱۰ آهنگساز منتخبی بود که از میان صدها آهنگساز کشورهای دنیا برگزیده شده بود.

اما این روزها که از فضل پدر چیزی نصیب ما شد، من نیز تمام وقت خود را به جمع آوری و انتشار آثار او اختصاص داده‌ام، اگرچه افتخارات مرتضی حنا‌ه برای ایران است، من نت‌هایی را که پدر برای پیانو نوشته بود با هزینه شخصی ضبط کردم و حتی آن را برای دانلو رایگان در اینترنت گذاشتم، زیرا از این کار هدفم دریافت سود نبود بلکه انتشار آثار او بود، موسیقی هزاردستان و موسیقی‌های فیلم دیگری را که پدرم ساخته بود در اختیار شرکت ماهر قرار دادم تا آن را گسترش دهد.

اما فکر می‌کنم تمام این کارها، کار پسر مرتضی حنا‌ه نبود، من هرآنچه در توانم است را انجام می‌دهم اما اگر ایران و ایرانی نه دست کم ارکستر سمفونیک ایران باید بیشتر به آهنگسازهای بزرگ خود توجه کند و اهالی موسیقی نیز بیشتر باید به گذشته و به آهنگسازهای گذشته دقت کنند تا هم از آنان بیاموزند و هم بگذارند آنها فراموش شوند.

جشن تصویر سال مثل سال‌های گذشته به همت سیف‌الله صمدیان کار خودش را آغاز کرده است. برگزارچی جشنواره‌های هنری که بدون کمک دولتی روی پای خود ایستاده‌اند قابل توجه است. اما از طرف دیگر با موانعی هم‌رو به‌رو هستند. در باب اهمیت این قبیل گردهمایی‌های هنری و همچنین «جشن تصویر سال» با نادر داودی که از عکاس‌های باسابقه و خوش ذوق ایرانی است گفت‌وگویی انجام داده‌ام که در ادامه می‌آید:

●●●

در یک نگاه کلی برپایی مراسم جشن تصویر سال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کاری که سیف‌الله صمدیان می‌کند خیلی با ارزش است. اول به دلیل تداومی که کارش داشته و ۱۰ سال است که جشن تصویر سال را برگزار کرده و این خیلی مهم است. دوم به دلیل تعداد هنرمندانی که در این جشن شرکت می‌کنند که خیلی با ارزش است. در ایران هیچ کس از عهده این ابعاد و این حجم بر نمی‌آید. این مراسم مقدر تاثیرگذار است؟

مهم‌ترین تاثیر جشن تصویر سال این است که می‌توان معدل یک سال کاری بدنه اصلی عکاسی ایران را در آن دید. صمدیان با توجه به امکانات، بهترین کار ممکن را می‌کند.

چه نقدهایی را به آن وارد می‌دانید؟

البته انتقادهایی هم وارد است. از جمله اینکه این کار با امکانات کم بر گزار می‌شود که البته ایرادی به صمدیان و مجله تصویر نیست و به امکانات کشور بر می‌گردد که در اختیار چنین پروژه‌هایی قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه

ممنوعیت نمایش برای دختران یک دانشگاه آتشکار، آتش شایعه را روشن کرد



دوباره جلوگیری کند و جدال مرد با روح پدرش، اطرافیان «آتشکار» برای دریافت مجوز به اداره ارشاد رفت حاشیه‌های فراوانی داشت، این فیلم که به جدال زنی که چهار فرزند دختر دارند و از همسرش می‌خواهد با عمل واژکتومی از بارداری دوباره جلوگیری کند و جدال مرد با روح پدرش، اطرافیان می‌پردازد، به هجو و ابتذال، زیر سوال بردن اعتقاداتی چون معاد و هن دین متهم شد و حاشیه‌هایش آن را به سه سال توقیف کشاند. اکنون پس از سه سال توقیف با مجوز اکران گرفتن این فیلم و گذشتن چند هفته از نمایش آن، حاشیه باز آغاز شده است. از شایعه ترک سالن نمایش این فیلم برای کمیسیون فرهنگی مجلس توسط نماینده زن کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و تذکب این خبر تنها پس از چند ساعت تا شایعه اینکه برخی از مدیران ارشد ارشاد شهرستان‌ها گفته‌اند: «این فیلم را نمی‌خواهند». تا شایعه اینکه در یک شهر مهم و فرهنگی این فیلم می‌خواهد از اکران پایین بیاید. اما ماجرای نمایش «آتشکار» در یکی از دانشگاه‌های مهم تهران و ممنوعیت حضور زنان و دختران دانشجو در نمایش و جلسه نقد و بررسی این فیلم نه تنها شایعه نبود بلکه واقعیتی غیر قابل باور بود، که واکنش‌های زیادی به همراه داشت، متولیان کانون فیلم دانشگاه مذکور پس از برنامه‌ریزی با عوامل فیلم و منتقد همهان هماهنگ می‌کنند و مدیر امور فرهنگی این دانشگاه اعلام می‌کند که فقط در صورتی مجوز نمایش و جلسه پرسش و پاسخ فیلم را صادر می‌کند که ختم‌های دانشجو اجازه ورود به سالن نمایش فیلم در دانشگاه نباشند. ام‌حسن امیریوسفی در واکنش به این خبر، یاه شرقی می‌گوید: داستان از کانون فیلم یکی از دانشگاه‌های دولتی حاضر در تهران آغاز شد،

گفت‌وگو با نادر داودی

جشن تصویر سال؛ دشوار اما شیرین

سهام الدین بورقانی



پای دولت و امکانات دولتی به میان آید.

البته خیلی‌ها معتقدند مشارکت در چنین پروژه‌هایی مفید نخواهد بود.

بله، مثلاً اگر وزارت ارشاد بر گزار کند شاید به خوبی بر گزار شود. مگر اینکه موجبات تفاهم فراهم شود. اگر دولت بخواهد امکانات و بودجه بدهد انتظار دارد در سطح اندیشه و نگاه او بر گزار شود. ما باید زمانی منتظر کمک باشیم که کار بی‌چشمداشت آنها انجام شود و این پروژه‌ها را به اهلس بسپارند. اما آنها می‌خواهند حق داشته باشند تا حرف بزنند و نظر بدهند. بنابراین شاید بهتر باشد که در این قبیل کارها توصیه دولتی بودن نداشته باشیم.

با این تفاسیر آیا جشن تصویر س را به لحاظ تامین هزینه‌های مالی موفق می‌دانید؟

انتقادی که به سیف‌الله صمدیان وارد می‌دانم این است که معمولاً پروژه‌هایی که او بر گزار می‌کند بیش از حد متکی به شخص اوست و این کار باید به سمت تشکیلات

تلاقی

و سازمان برو. انتظار این است که بعد از ۱۰ سال برگزاری، سازمان و تشکیلاتی قوی شکل گرفته باشد. اما جشن تصویر به همان شکل ۱۰ سال پیش بر گزار می‌شود و از اعتبارات شخصی هزینه می‌شود و بعید هم می‌دانم تحولی ایجاد شود. در ایران کار گروهی دشوار است که سالانه هستند احتیاج به احداث سالن‌های جدید داریم. باید بناهای جدید با قابلیت برپایی مراسم‌های بزرگ و عظیم تاسیس شوند. این کار سرما به‌گذاری کلان و نگاه ملی می‌خواهد تا چنین مراسم‌هایی بر گزار شوند و آنها را تبدیل به رویداد و ماجرا کنیم. صمدیان باید در انتخاب کارها سخت‌گیر تر باشد و نباید خیلی با تسامح بر خورد کرد. مجموعه عکس‌هایی که به نمایش گذاشته می‌شود این ظرفیت را دارد که کمتر شده و اهمیت بیشتری به کیفیت داده شود. اما ظاهراً انگاره ذهنی او این است که هر چه بیشتر ظرفیت همکاری با هنرمندان را ایجاد کند. من ترجیح می‌دهم تعداد آدم بیشتری پشت در بمانند و در عوض کیفیت کار بالا رود. در این صورت ما هم یادم می‌گیرد کیفیت کارمان را بالا ببریم.

عقب‌نشینی باشیم. اولین مشکل که پیش می‌آید کار را روی زمین می‌گذاریم و این را هم دریافت‌ایم که در کارهای انفرادی سود بیشتری هم نصیبمان می‌شود. باید گروهی بیاید که کارش از جنس اقدامات دسته‌جمعی باشد اما من چشم‌اندازی در این زمینه نمی‌بینم. **راهکار شما برای بهتر برگزار شدن چنین مراسم‌هایی چیست؟**

برای تقویت این مراسم‌ها و جشنواره‌های هنری امیدوارم که امکان استفاده از حامیان مالی خصوصی



فراهم شود؛ که البته سخت است. دیگر اینکه باتیان حمایت‌های مالی و اقتصادی در ایران چندان اهل برگزاری جشنواره نیستند و بیشتر کاسیند. آنهایی که پول کلان دارند موظف نیستند بخشی از درآمد خود را صرف امور هنری بکنند و اگر هم بخواهند در سطح تشکیلاتی انجام نمی‌شود.

به نظر شما جشن تصویر سال به لحاظ فرم و ساختار چه عیوبی دارد که در صورت رفع آنها به برگزاری بهتر آن کمک می‌کند؟

خانه هنرمندان ایران کوچک است و ظرفیت برگزاری جشن تصویر سال را ندارد. البته ناگفته نماند که جای دیگری هم نداریم. همه ما خانه هنرمندان را دوست داریم ولی واقعیت این است که فضایش دیگر جوابگوی نیازهایمان نیست. برای برپایی این پروژه‌ها که سالانه هستند احتیاج به احداث سالن‌های جدید داریم. باید بناهای جدید با قابلیت برپایی مراسم‌های بزرگ و عظیم تاسیس شوند. این کار سرما به‌گذاری کلان و نگاه ملی می‌خواهد تا چنین مراسم‌هایی بر گزار شوند و آنها را تبدیل به رویداد و ماجرا کنیم. صمدیان باید در انتخاب کارها سخت‌گیر تر باشد و نباید خیلی با تسامح بر خورد کرد. مجموعه عکس‌هایی که به نمایش گذاشته می‌شود این ظرفیت را دارد که کمتر شده و اهمیت بیشتری به کیفیت داده شود. اما ظاهراً انگاره ذهنی او این است که هر چه بیشتر ظرفیت همکاری با هنرمندان را ایجاد کند. من ترجیح می‌دهم تعداد آدم بیشتری پشت در بمانند و در عوض کیفیت کار بالا رود. در این صورت ما هم یادم می‌گیرد کیفیت کارمان را بالا ببریم.

پیشنهاد

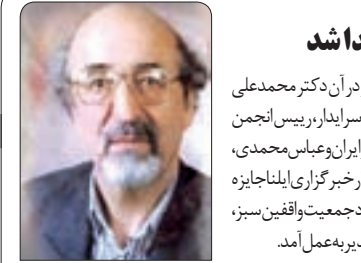
«بودن و سرودن» نمایشگاه گرافیکی شاگرد دمیز

علاقه‌مندان گرافیک و هنرهای تصویری می‌توانند بازدید دلچسپی از نمایشگاه آثار گرافیکی، طرح جلدها، بوسترها و تصویرسازی‌های فرزاد ادیبی در آخر هفته خود در موزه هنر امام علی (ع) داشته باشند. این نمایشگاه شامل ۴۸ اثر است که در بخش‌های مذکور آرایه می‌شوند.

در بخش تصویرسازی ۱۰۰ اثر که

تاکون به نمایش در نیامده در معرض دید عموم قرار می‌گیرد.

فرزاد ادیبی فارغ‌التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شاگرد زنده‌یاد مرتضی ممیز و از هنرمندان سختکوش، پرکار و خوش سلیقه در زمینه گرافیک است. او در



اسفندماه ۱۳۷۹، دکتر محمدتقی ابتکار، اولین رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و مشاور علوم و فنون رئیس جمهور در دولت هفتم و پدر زندگی‌ام از دنیا رفت. در اولین سالگرد درگذشت ایشان تصمیم گرفتیم، برای یادبود تلاش‌های پدرم در حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی هوا، با تقدیر از پژوهشگران و تلاشگران حوزه محیط زیست، تحقیقات و فعالیت‌ها و یاد ایشان را زنده نگه داریم، اما مسال با همه این سال‌ها، تفاوت داشت. فراز و نشیب‌های پیش‌بینی نشده‌ای که روزها را سخت‌تر از همیشه می‌کرد، فقط به یک انرژی نیاز داشت تا سفیدی‌ها کمی نمایان شود. برای آن انرژی به حرف‌های الگوی سختگی ناپذیر زندگی پدرم فکر می‌کردم.

دکتر ابتکار مردی سختکوش بود که در همه سختی‌ها با «امید» شریک را به بهترین شکل مدیریت می‌کرد. او روزهای سخت را با اشاره به قرآن، همیشه شکلی دیگر توصیف می‌کرد: «اگر ایمان داشته باشید، حزن و اندوه نباید بر شما غلبه کند». این یعنی هر نقطه تاریکی باید به پس ذهن برود و به جای آن امید و روشنی تجانده شود. اما گاهی با همه این راهنمایی‌ها و هدایت‌ها، سختی و تلخی‌ها نچنان نشاط را از زندگی حذف می‌کند که رسیدن به آن نقطه انرژی هم بسیار سخت می‌شود. هر چند «ایمان» به آینده‌ای روشن شریک را در گرو نمی‌کند. برای زنده نگه داشتن امید، بلافاصله همه مراحل برگزاری ششمین دوره جایزه دکتر محمدتقی ابتکار هماهنگ و همانند هر سال، در مرکز صلح و محیط زیست شب گذشته با حضور بزرگان و علاقه‌مندان به ایران سبز بر گزار شد.

نگاه‌از بیرون

شهرستان و ادبیات کودک

احمد اکبریور*



می‌خواستیم از درد دل‌ها و گلایه‌هایی شروع کنم که دور از تهران بودن برای هر نویسنده‌ای ایجاد می‌کند. مثل عدم تصویرگری مناسب و مشکل و شمایل کار. اما دیدم که بی‌انصافی است اگر از موقعیت ویژه شیراز در این زمینه صحبت نکنم. البته گلایه‌ها به‌مانند سر جایش تادر وقتی دیگر از آن بگویم. شیراز جزو مناطقی را در عرصه کودک و نوجوان دارد که نام بلندشان را سراسر ایران شنیده است اما شاید به تخصص در زمینه‌ای دیگر اشتباه داشته باشند. مثل امین قفیری، شاپور کوش، شهریار مندنی پور... شاپورا با «خروگوش‌ها و ستاره‌ها» و شهریار «راز» و هزار و یک سال» و حالا نسلی از داستان‌نویسان جوانی که چندین سال است هر هفته یک‌دهم می‌آیند و می‌نویسند و نقد می‌کنند. این مطلب را از آن رومی نویسم که تا چند سال پیش به جز در تهران تشکلی‌هایی در راستای ادبیات کودک تقریباً در هیچ جای ایران وجود نداشت یا انگشت شمار بود. حتی هنوز در بسیاری از شهرهای بزرگ ما فروشگاه‌های تخصصی کتاب کودک که چندین سال است هر هفته یک‌دهم می‌آیند و منظمی برای ادبیات کودک در شیراز اتفاق بزرگ بود. نویسندگان مطرح حوزه کودک و نوجوان کشور مانند مرادی کرمانی، محمدرضا ششمین و محمدرضا یوسفی در جمع ما آمدند و علاوه بر نقد و نظر، اظهار خوشحالی کردند که در جایی به غیر از تهران این گونه جلساتی وجود دارد. حاصل آن جلسات و همین‌طور جمع‌های کوچک‌تر و جداگانه، نویسندگان نواندیش و پرتوانی است که تاکنون کتاب‌های بسیاری با ناشران مطرح کشور به چاپ رسانده‌اند و از جشنواره‌های مختلف جوایز بسیاری دریافت کرده‌اند. گمنامی نویسندگان کودک حتی ربطی به شهرستانی بودن ندارد و بسیاری از خالقان بهترین آثار کودکان چندان شناخته شده نیستند. اینجای کار شاید اتفاق مهمی نباشد اما نکته در این است که این عدم شناخت باعث شده حتی اکثریت فرهیخته‌ها نیز توجهی به این نوع از ادبیات نشان ندهند و حتی برای فرزندان خود نیز بجز کتاب‌های بازاری و کم‌مایه چیزی به ار مغان نیاورند. قبول دارم که در مواجهه با سبیل آثار ترجمه که تقریباً یک دهه است آثار داخلی کمتر به چشم می‌آید اما از قشر کتابخوان توقع می‌رود که گوشه چشمی نیز به آثار خوب داخلی داشته باشد و علاوه بر آنکه مطالعه آنها خالی از لطف نخواهد بود. لافا برای فرزندان شان کتاب‌های خوبی را انتخاب کنند یا پیشنهاد دهند. در شرایطی که نویسندگان عمده کودک پایتخت‌نشین هستند و توزیع کتاب در همان حدود و اطراف است توجه به جمیع وانجمن‌های کودک در شهرستان‌ها و حمایت از این نهادهای نوپا لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

* نویسنده ادبیات کودک